

## هفتادسال پیش اتریش از سلطه فاشیسم آزادگشت و جنگ جهانی دوم به پایان رسید:

### قاطعانه علیه جنگ‌های امپریالیستی و فاشیسم مبارزه کنیم!

در اوایل آوریل ۱۹۴۶ ارتش سرخ از مرزهای اتریش- استان بورگنلند (Burgenland) عبور کرد و بین اواسط همین ماه آزادشد و بدین ترتیب زنگ روزهای آخر فاشیسم به صدا درآمد. حقیقت این است که در این کارزار زمین‌گیر شدن فاشیسم تعداد کمی اتریشی شرکت داشتند، ولی از طرف دیگر مبارزه و مقاومت آنهایی که اسلحه به دست در مقابل فاشیسم ایستادند و با خرابکاری در ماشین جنگی نازی‌ها و یا پشتیبانی از پارتیزان‌ها، مبارزه و مقاومت کردند، از ارزشی بالا و تاریخی برخوردار است. اکثریتی بزرگ اما آنهم با ترس و تاخیر، زمانی بر بریت فاشیسم را محکوم کردند که دیگر خطری آنها را تهدید نمی‌کرد. برای تعداد قابل ملاحظه‌ای هم چرخش فکری زمانی آغاز شد که دیگر بمب و گلوله از کنار گوششان رد می‌شد و خطر مرگ را به عینه احساس می‌کردند، بعبارت دیگر در صورت پافشاری خود قربانی حاکمیت فاشیسم و نابودی آن می‌شدند.

تنها در فتح وین بیست هزار سرباز ارتش سرخ جان باختند، در حالیکه گروه‌های کوچک مقاومت حول سازمان جوانان کمونیست اتریش در این جنبش رهائی‌بخش مسلحانه شرکت داشتند. اوایل ماه مه سال ۱۹۴۶ اردوگاه کار اجباری ماتهاوزن (Mathausen) توسط نیروهای آمریکائی آزادگشت، کشتارگاهی که در آن ۱۰۰/۰۰۰ انسان نابود گردیدند. اولین دولتی که بعد از ۱۲ سال در جمهوری دوم تشکیل گردید، نقطه آغاز ایجاد دوباره اتریشی دموکراتیک بود.

با وجود اینکه ۸۰٪ عملیات مقاومت ثبت شده علیه فاشیسم نازی توسط اعضاء و فعالین حزب کمونیست و جوانان کمونیست اتریش (KJVO) به اجرا درآمد و تقریباً تمامی گروه‌های پارتیزانی و گردان‌های مبارز تحت رهبری کمونیست‌ها بودند، به دلیل عدم تناسب قوا در اتریش بعد از سال ۱۹۴۶ بار دیگر یک سیستم استثماری سرمایه‌داری حاکم شد. احزابی که اتریش را قبل از سال ۱۹۳۸ به ورطه نابودی سوق داده بودند بار دیگر به کمک همه جانبه قدرت‌های امپریالیستی (ایالات متحده آمریکا، انگلستان، و فرانسه) دگر باره احیا و قدرت را به دست گرفتند و چهره دیکتاتوری بورژوازی را بادمکراسی بورژوازی تزئین نمودند. از آن موقع تا کنون کارگران هم بخاطر آرایش چهره جامعه و نظام اقتصاد سرمایه داری کمی اجازه صحبت یافتند، و آنهم غیر مستقیم و از طریق اشرافیت کارگری حزبی و اتحادیه‌های کارگری.

هفتادسال بعد از شکست فاشیسم هیتلری و تقریباً شصت سال بعد از اعلام رسمی بی‌طرفی، اتریش امروز یک کشور امپریالیستی کوچک و عضو اتحادیه اروپاست که از منافع بورژوازی انحصاری خودی در ابعاد جهانی بطور موثر دفاع می‌کند. بیست سال پیش در جنگ یوگسلاوی هم دولت "بی‌طرف" اتریش با وزیر امور خارجه آن زمان- آلیوس موک (Alios Mock) نقش پیش‌قراول تجزیه کشور همسایه جنوب شرقی، یوگسلاوی را ایفا نمود و امروز طبقه سرمایه‌داری اتریش از نفوذ اقتصادی و سیاسی قابل توجهی در جنوب اروپا برخوردار است و ارزش اضافی بالایی را از غارت خلق‌های کشورهای نومستمراتی بالکان به جیب می‌زند.

واقعیت این است که رقابت بین قدرت‌های امپریالیستی- که بخش بزرگی از سود سرمایه را از خارج وارد می‌کند- بعد از بروز بحران‌های سال ۲۰۰۸ به شدت افزایش یافته است. به همین دلیل ما شاهد شکل‌گیری پیمان‌های تهاجمی و قطب‌بندی‌های امپریالیستی جدیدی، جهت تدارک جنگ‌های آتی با هدف گسترش حوزه نفوذ نواستعماری در کشورهای هستیم که دارای ذخایر عظیم منابع خام و کارگران شدیداً تحت‌استماری‌باشند. هر چند تاکنون ده‌ها جنگ بزرگ و کوچک و یا تجاوزات نظامی در چارچوب منطقه‌ای محدود مانده‌اند، نباید برای باور بود که قدرت‌های بزرگ و قطب‌بندی‌های امپریالیستی به نحوی خود را به این محدوده بسنده خواهند کرد. نه! تکامل این درگیری‌ها در ده سال اخیر نشان از خطر بروز جنگ‌های بزرگ امپریالیستی می‌دهد. در زمانی نه چندان دور چنین به نظر می‌آمد که امپریالیسم آمریکا بیشترین نیروی خود را برای جنگ علیه امپریالیسم چین در اقیانوس آرام متمرکز و ردیف کرده باشد. ولی اخراج روسیه از گروه هفت و هشت و جنگ در سوریه، لیبی، اکراین و غیره و نیز تشدید درگیری‌ها در اروپای شرقی و دریای مدیترانه، قدرت‌های بزرگ را به سمت جدال‌های مستقیم نظامی می‌کشاند.

هر چه بیشتر سرمایه از بحران‌های درونیش به لرزه درمی‌آید، به جنگ به مثابه حل بحران و راه نجات کاهش سود متوسل می‌گردد. مسئله این نیست که آیا بورژوازی اتریش، امپریالیست‌های اتحادیه اروپا و یا دیگر قطب‌بندی‌ها "خواهان" جنگ باشند، بلکه مسئله این است که آنها مجبورند زیر فشار رقابت، بدلیل اقتصادی و سیاسی و استراتژیک هم‌چنان جنگ‌های دیگری را آغاز کنند که به یک جنگ جهانی جدید منتهی خواهد شد.

تجارب حاصله ثابت کرده است که یکی از شرایط تدارک جنگ‌های بزرگ برچیدن دموکراسی در سرزمین خودی است، چون کارگران که اکثریت ارتش را تشکیل می‌دهند از ادانه به کشتارگاه جنگ نمی‌روند. دموکراسی وسیع اما از تحمیق توده‌ها به وسیله مذهب، ناسیونالیسم و دیگر تبلیغات عوام‌فریبانه حاکمان سودجو، جلوگیری می‌کند.

بدین سبب مبارزه علیه فاشیسم (در این رابطه فاشیسم (در این رابطه فاشیسم) را به تنگاتنگ برای جلوگیری از جنگ دارد.

ارزیابی ما، کمونیست‌های انقلابی اساساً این است که نظام کاپیتالیستی- امپریالیستی به جنگ می‌انجامد، زیرا رقابت‌های درون امپریالیستی (بخصوص در شرایط بحران) تنها از راه‌های مسالمت‌آمیز امکان‌پذیر نیست. در عین حال معتقدیم که از جنگ‌های مشخصی می‌توان با سازماندهی کارگران و توده‌های مردم، جلوگیری بعمل آورد و یا پایان داد.

مادر برخورد به فاشیسم هم از این شیوه پیروی می‌کنیم و بر این باوریم که طبقه استثماری در صورت تشدید مبارزه طبقاتی نهایتاً مجبور خواهد شد نمای دموکراسی را به کناری نهاده و فاشیسم را برقرار سازد (همانطور که در سال ۱۹۳۴ در اتریش اتفاق

افتاد) اینکه بخشی از سرمایه‌داری انحصاری در شرایط معینی خواهد توانست، دولت فاشیستی را براریکه قدرت بنشانند، اساسن به مبارزه جبهه متحد ضدفاشیستی کارگران وتوده‌های زحمتکش مربوط خواهد بود.

جهت‌گیری عمومی ما این است که می‌بایست مبارزه دراتریش واتحادیه اروپا علیه رفتار غیرانسانی، راسیستی وسرکوب فاشیستی پناهندگان بامبارزه علیه نظامی‌گری وجنگ پیوندد. فراتوده‌ای و اصولن مقوله پناهندگی درواقع زائیده استثمار غیرقابل تصور و مداخلات نظامی درکشورهای نیمه‌مستعمره و وابسته است، جائیکه نهادهایی مانند صندوق بین المللی پول (IWF) بانک جهانی (WB) سازمان تجارت جهانی (WTO) وبخش‌های مختلف اتحادیه اروپا (EU)، نظام‌های اقتصادی واجتماعی‌ای را به آنها تحمیل می‌کنند که برای توده‌های مردم گرسنگی، فقر وجنگ به ارمغان می‌آورد. درست دراین مناطق فقرزده، امپریالیست‌ها به صدور اسلحه مشغولند و گروه‌های وابسته به خویش را تغذیه می‌کنند تا علیه رقبای دیگر وارد عمل شوند و بدین ترتیب اهالی مردم را تحت لوای نزاع‌های قومی ومذهبی علیه یکدیگر می‌شورانند. هدف اینان اغلب دست یابی به نفت ارزان و دیگر مواد خام و گسترش موقعیت استراتژیک خویش برای درگیری‌های بعدی است، سپس در تلویزیون ظاهر می‌شوند و اشک تماشای می‌ریزند که بار دیگر صداهای پناهنده در دریای مدیترانه غرق شده‌اند...

کسی که به این عوام‌فریبی وبازی تنفر انگیز امپریالیست‌ها پی برده باشد بایستی دست به عمل بزند.

هرچند که امروز وضعیت مبارزه طبقاتی دراتریش برای بسیاری دلگرم کننده به نظر نمی‌رسد، ولی تنها چشم انداز رهائی، سرنگونی حاکمیت طبقه استثمارگر است. تنها درنظامی که اکثریت سرکوب و استثمارشدگان دروسعت جهانی قدرت را بدست بگیرند، دیگر کسی مجبور نخواهد شد، خانواده ودوستان خود را ترک کند و دست به سفری خطرناک بزند تا برای خود (وخانواده) اش در محل سکونتشان یک زندگی قابل قبول فراهم نماید.

## امروز ۷۰ سال بعد از پایان حاکمیت نازی‌ها شعار:

**نه دوباره فاشیسم! نه دوباره جنگ!**

**را با مبارزه جهت سرنگونی امپریالیسم وارتجاع وبرپایی انقلاب پرولتاریایی پیوند زنیم!**

Initiative für den Aufbau einer  
Revolutionär-Kommunistischen Partei  
Stiftgasse 8, A-1070 Wien, [ia.rkp2017@yahoo.com](mailto:ia.rkp2017@yahoo.com)

Proletarische Revolution  
Revolutionär-kommunistische Zeitung in Österreich  
[prolevoel.wordpress.com](http://prolevoel.wordpress.com)

**KOMAK-ML**  
Kommunistische Aktion – marxistisch-leninistisch  
[komakml@gmail.com](mailto:komakml@gmail.com)

alle: Stiftgasse 8, A-1070 Wien,  
(3. Mai 2015)

ترجمه وتکثیر <یکی از فعالین چپ دروین- اتریش>  
آدرس تماس: 8, stiftgasse, 1070 wien, amerlinghaus